

شعر فارسی

در شبه‌قاره هند از آغاز حملات محمود غزنوی

چکیده

شعر فارسی در شبه‌قاره هند از آغاز حملات محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ق/۹۹۷-۱۰۳۰م) آن سرزمین، به‌ویژه از زمان استقرار سلطنت اسلامی توسط قطب‌الدین ایبک (۶۰۲-۶۰۷ق/۱۲۰۵-۱۲۱۰م) تا روی کار آمدن ظهیرالدین بابر (۹۳۲-۹۳۷ق/۱۵۲۶-۱۵۳۰م)، به صورت یکی از مراکز مهم ادبیات فارسی درآمد اما نقد شعر فارسی به‌طور دقیق از عهد اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ق/۱۵۵۶-۱۶۰۵م) آغاز شد. در آن روزگار، بسیاری از شاعران ایرانی به دربارهای پادشاهان ادب‌پرور با «بابریان» مانند اکبر جهانگیر، شاهجهان، اورنگزیب و شاهزادگان، امرا و وزرای با ذوق و ادب‌دوست راه داشتند و صله‌های گران‌بها دریافت می‌کردند. چنانچه غزالی مشهدی (۹۸۰ق/۱۵۷۲م)، طالب آملی (۱۰۳۶ق/۱۶۶۲م) و قدسی مشهدی (۱۰۵۶ق/۱۶۶۵م) به منصب ملک‌الشعرایی رسیدند و همچنین بسیاری دیگر به دربارهای وزرا و امرا پیوستند و مرتبه بلند داشتند و مورد احترام همه بودند.

کلیدواژه‌ها: شبه‌قاره هند، هجوگویی، کارنامه، شعر فارسی، تذکره نویسی

«بدایونی» از ۱۷۰ شاعر ایرانی نام می‌برد که ۵۹ تن از آنان در دوره پنجاه ساله سلطنت اکبر پادشاه در دربار او بودند. ملا عبدالباقی نهبانندی، در مآثر رحیمی می‌نویسد: «ایران مکتب‌خانه هندوستان است. در آنجا کسب کمال می‌کنند تا در هندوستان به کار برند». سلیم تهرانی (۱۰۵۷ق/۱۶۶۷م) در این مورد چنین گفته است:

نیست در ایران زمین سامان تحصیل کمال
تا نیامد سوی هندوستان حنا رنگین نشد

■ **غلامحسین اثنی‌عشری،**
کارشناس ارشد تاریخ گرایش ایران باستان،
دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (ره)

و ملا محمد سعید اشرف مازندرانی می‌گوید:
در ایران نیست جز هند آرزویی روزگاران را
تمام روز باشد حسرت شب زنده‌داران را
کلیم از این سرزمین به وطن خود می‌رود و
می‌گوید:

به ایران می‌رود نالان کلیم از شوق همراهان
به پای دیگران همچون جرس طی کرده منزل
را

ز شوق هند زان سان چشم حسرت بر قفا دارد
که رو هم گر به راه آرم، نمی‌بینم مقابل را^۱
برخی از جمله شاعرانی که به هند کوچیدند،
زبان ملعن گشودند و به هجو هند و مردم هند
پرداختند؛ مانند حیدری تبریزی که به روزگار
اکبر پادشاه به هند رفت و تنها به صله قصیده
برده هزار روپیه و خلعت و اسب دریافت کرد
اما چون به وطن خود برگشت، به هجو هند
پرداخت.

آزاد بلگرامی در تذکره خود در این مورد
می‌نویسد:

در کشور هند شادی و غم معلوم
آنجا دل شاد و جان خرم معلوم
جایی که به یک روپیه آدم نخردند
آدم معلوم و قدر آدم معلوم^۲

در شبه‌قاره هند چند جریان نقد ادبی رخ داده
است و می‌توان گفت که یکی از آن‌ها «هجوگویی»
و «مذمت‌هند» بوده است. از جمله جریان‌های
نقد ادبی می‌توان جریان عرفی شیرازی، جریان
قدسی مشهدی، جریان میرزا آزاد بلگرامی، جریان
میرزا محمد فاخر مکین را نام برد. در ادامه به
اختصار به این جریان‌ها اشاره می‌کنیم.

ادامه مطلب در وبگاه مجله

- پی‌نوشت‌ها**
۱. رحیمی، ۱۹۳۱م: ۲۶/۳
 ۲. اکرام، ۱۴۰۱ق: ۱۸
 ۳. بلگرامی، ۱۸۷۱م: ۱۸۷-۱۸۸
 ۴. آرزو، ۱۹۹۷م: ۵۲
 ۵. عباس، ۱۹۹۷م: ۶
 ۶. شفیع کدکنی، ۱۹
 ۷. برای نسخه‌های خطی از این
شروح نک: منزوی، فهرست
مشترک، ۱۶۰۳، ۱۶۰۲/۳،
۱۶۴۲، ۱۶۴۴، ۱۳۸/۷، ۲۶۳،
۲۸۴، ۹۱۸، ۹۸۰/۸
 ۸. Vyārtha Dokhak
 ۹. به معنی پارادوکس
 ۱۰. Asambaddha Dokhan
 ۱۱. شعری است که هر مصرع‌ای
معنایی مستقل داشته باشد.
(دقت معنی و نزاکت و لطافت
خیال و رنگینی مضمون و باریکی
و حسن ادا را گویند)
 ۱۲. VYANGA
 ۱۳. تمثیل‌الشیء بنفسه نوعی
از تشبیه است که در آن مشابه
مشبه‌به یکی باشد.

- منابع**
۱. آرزو، سراج‌الدین علیخان
(۱۳۹۷ه) سراج‌منیر، تصحیح
سید محمد اکرم اسلام‌آباد،
مرکز تحقیقات فارسی ایران و
پاکستان
 ۲. آزاد بلگرامی، خزانه عامره؛
کانبور، ۱۸۷۱.
 ۳. تنبیه الغافلین فی الاعتراض
علی اشعار الحزین، سراج‌الدین
علی‌خان آرزو، با مقدمه و تصحیح
دکتر سیدمحمد اکرم اکرام،
دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۴۰۱ق.
 ۴. حسن عباس، دو رساله در نقد
ادبی (تحقیق السداد فی منزله
الآزاد، تألیف سخنور بلگرامی
و تأدیب الزندیق فی تکذیب
الصدیق، تألیف مهران اورنگ
آبادی)، رام پور هند ۱۹۹۷م.
 ۵. محمدرضا شفیع کدکنی،
شعاری در هجوم منتقدان،
انتشارات آگه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
 ۶. مآثر رحیمی، نهبانندی
عبدالباقی، تصحیح، هدایت
حسین ایشیاتیگ سوسانتی
بنگاله، کلکته هند ۱۹۳۱م.